



قهقهه بچه‌ها

از کتابخانه به گوش می‌رسد

گزارش فعالیت کتابخانه در دبستان دخترانه دوره دوم ناحیه ۲

مهدیه آرائی، کتاب‌دار

نشود صدمات زیادی بر زندگی و روحیه کودک برجای می‌گذارد.

زمستان را به‌عنوان فصل هم‌دلی، نام‌گذاری کردیم و شروع این فصل را با بلندخوانی کتاب «اردک کشاورز»، جشن گرفتیم. این کتاب، ارزش مفهوم هم‌دلی را در انجام دادن کاری غیرممکن نشان می‌دهد. بازهم فعالیت پیش از خواندن را با گفت‌وگوهای آزاد شروع کردیم که امکان بازتاب افکار بچه‌ها را ایجاد می‌کند. گفت‌وگوی آزادانه، به بچه‌ها امکان بازتاب افکارشان را می‌دهد. به‌عنوان فعالیت پس از خواندن، کارت‌پستال‌هایی با طرح نقش‌های اصلی داستان ساختیم. کارت‌پستال‌هایی که با جملات زیبا تکمیل شدند و قرار شد به هرکسی که نیاز به هم‌دلی ما دارد، هدیه بدهیم. اکثر بچه‌ها، کارت‌پستال‌ها را برای پدر و مادرشان آماده کردند. برخی برای تسهیل‌گر و چند نفر هم برای مادر بزرگ و پدر بزرگ‌شان.

یکی از فعالیت‌هایی که به‌صورت پروژه‌ای انجام شد تا اعضای این جامعه کوچک را به هم پیوند دهد، برنامه چندماهه مشاعره بود. برنامه‌ای که با آشنایی بچه‌ها در مورد شاعران مختلف و هم‌خوانی برخی از اشعارشان شروع شد. دفتر مشاعره آماده شد و در یک دوره دوماهه بچه‌ها اشعار را حفظ کردند سپس در یک رقابت دوستانه درون مدرسه‌ای لذت شعرخوانی را با هم شریک شدند. در مرحله آخر رقابت دوازده نفر از دانش‌آموزان، یک ساعت بی‌وقفه از حفظ شعر خواندند. این جامعه کوچک جشن‌های زیادی هم برگزار می‌کند مثلاً جشن «کامی‌شی‌بای». روزی برای آشنایی با کارت‌های تصویری قصه‌گویی یا جشن «میراثک»، جشنی برای آشنایی بچه‌ها با میراث فرهنگی کشور. برای کتابخوانی راه‌های بسیاری است که با هم‌دلی و همراهی با بچه‌ها می‌تواند مثمر ثمر شود... کاش دنیا پر شود از قهقهه کودکان...

از درخت افتاد»، یک داستان ترسناک می‌سازیم، یک دایره می‌کشیم، از دایره یک شخصیت خلق می‌کنیم و چنان در موردش می‌نویسیم انگار که سال‌هاست آن‌را می‌شناسیم. نامه می‌نویسیم، به نویسنده کتاب مورد علاقه‌مان یا به آدم‌فضایی‌ها و برای‌شان از زمین می‌گوییم. هر جلسه در مورد عناصر داستان، مطالب جدیدی یاد می‌گیریم تا داستان‌های بعدی جان‌دارتر و حرفه‌ای‌تر شوند.

در فرآیند داستان‌نویسی تخصصی به‌عنوان قدم اول از بچه‌ها خواسته شد تا شخصیت جالبی را که از ذهنشان نشأت می‌گیرد نقاشی کنند، برایش اسم و فامیل بگذارند و در موردش هرچیزی به ذهن‌شان می‌رسد، بنویسند. شخصیت‌های جالبی خلق شدند، از «خانواده نوتلاها» گرفته تا «پسری که وقتی گریه می‌کند، از چشمش آبنبات می‌ریزد»، «پروفیسوری که موهایش از پشمک است»، «آقا و خانم ترسون-لرزون» و ...

در کارگاه‌های کتاب‌درمانی، کتاب‌های مناسب انتخاب و بلندخوانی می‌شوند و زمان پس از مطالعه را به فعالیت‌هایی اختصاص می‌دهیم تا ما را به هدف بلندخوانی کتاب نزدیک کند.

برای مثال وقتی کتاب «آدم‌های کوچک، آرزوهای بزرگ» را بلندخوانی کردیم، برای فعالیت پس از خواندن، از بچه‌ها خواستیم تا کاغذ خود را خط‌خطی کنند و از بین خط‌ها شکلی معنادار بیرون بکشند. برای شکل‌شان، اسم بگذارند و از آرزوهای‌شان بنویسند.

آرزوها در واقع، آرزوهای خود بچه‌ها بودند. آرزوهایی که گاهی آرزوهای فروخورده‌ای بود که بیان نشده بودند. مثلاً کودکی آرزوی مردن خواهر کوچک‌ترش یا آتش گرفتن مدرسه است. بیان این آرزوها گاه به شناخت و درمان آسیب‌های روحی می‌انجامد که اگر بیان

به نام آن‌که خود را قصه‌گو خواند حقایق را لباس از قصه پوشاند

کتابخانه مدرسه ما گاهی پر می‌شود از صدای قهقهه دانش‌آموزان و گاهی در سکوتی سوال برانگیز فرو می‌رود. گاهی شبیه کارگاه‌های هنری پر است از ریزه‌های کاغذ و مداد رنگی‌های گمشده، گاهی چنان مرتب می‌شود که گویی سال‌ها بسته بوده است. اما هرطور که باشد از زندگی و لبخند لبریز است.

کتابخانه ما یک جامعه کوچک است که تمام کارهای آن‌را افراد جامعه با عشق انجام می‌دهند از کثیف‌کردن تا مرتب‌کردن. از معرفی کتاب تا امانت‌دادن آن. گروه هنرمندان نیز در رادیو مدرسه، زنگ‌های تفریح دانش‌آموزان را از نوای موسیقی و شعر لبریز می‌کنند. قفسه‌های کتابخانه بارها به من گفته‌اند که به قفسه کتاب‌های در دست چاپ، غبطه می‌خورند. کتاب‌های کوچکی که خود دانش‌آموزان، نویسنده و گاه تصویرگر آن بوده‌اند. با جلدهای رنگ‌رنگی و روبان‌های پاپیون شده. این‌جا در این کتابخانه جز آن‌که هر کلاس، فعالیت هفتگی خود را دنبال می‌کند، فعالیت‌های جمعی درون مدرسه‌ای نیز انجام می‌شود. فعالیت‌هایی که افراد کوچک این جامعه کوچک را در کنار هم قرار می‌دهد. بیایید کمی در مورد فعالیت‌های هفتگی کتابخانه سخن بگوییم. که با تمرکز بر نویسندگی خلاق و «کتاب‌درمانی تحولی» صورت می‌گیرد. کتاب‌درمانی تحولی، نوعی از کتاب‌درمانی است که بیشتر برای آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد تا درمان.

در کارگاه‌های هفتگی نویسندگی خلاق که گاهی در ال‌اچ‌اچ برگزار می‌شود، پایان داستان‌های معروفی مثل «کدو قلقله زن» را تغییر می‌دهیم یا پایان داستان‌هایی که نشنیده‌ایم را حدس می‌زنیم. با یک جمله مثل «سببی